



۲۰۱۴/۰۶/۱۹



عبدالصبور صافی

برخورد جنرال ظاهر ظاهر با آقای امرخیل توطئه یا واقعیت:

انتخابات دور دوم باز هم با یک شور و شوق زیاد و اشتراک میلیونی مردم در تعیین سرنوشت خود شان در این پروسه ملی خیلی چشمگیر بود، بعضی ها در این روز جام شهادت نوشیده و بعضی ها انگشتان خود را از دست دادند، ولی حیف است که این همه قربانی این هموطنان از طرف یک عده محدود ماجراجو به چلنج کشیده شده، اگر جریان کمپاین های انتخاباتی دور دوم طور منظم از طرف علاقمندان تعقیب شده باشد به وضوح دیده می شود که اشتراک مردم در کمپاین تیم "اصلاحات و همگرایی" کم رنگ بود، طور مثال زمانی که داکتر عبدالله عبدالله، محقق و محمد خان عازم پکتیا شدند مورد استقبال گرم مردم پکتیا قرار نگرفتند و مجموعاً در حدود ششصد تا یک هزار نفر جمع شده بودند که بسیاری آنها سیل بینان محلی بودند. همین طور در ولسوالی جاغوری که در آن محقق نفوذ بیشتر دارد ولی در میتینگی که تشکیل شده بود برخلاف نورم های کمیسیون انتخابات شاگردان مکاتب را به محل آورده بودند که همه این ویدیو ها را از طریق تلویزیون های شان تماشا کرده و نسخه های آن در فیس بوک و یوتیوب هم موجود است.

این وضع تیم عبدالله عبدالله را نگران کرد و از همان لحظه درک کردند که در این دور چانس برنده شدن کاری است دشوار ممکن ناممکن.

بنابراین دست به تبلیغات رنگارنگ اعم از شب نامه ها، تکفیر کردن ها و آوازه های عجیب و غریب که نمی خواهم در این جا از آن نام ببرم، دست زدند که نشان دهنده فقدان برداشت درست از واقعیت های جهانی که تجارب بیشتر انتخابات را تجربه کرده اند، می باشد.

با تأسف که بسیاری ها انتخابات را هنوز هم زورگویی فکر می کنند از آرای ملت می گویند ولی در عمل همان تفنگ سالاری که بودند هستند. بهانه جوی های غیر معقول، عدم اعتماد به نهادهای انتخاباتی، زیر سؤال بردن پروسه رأی شماری، بهانه جویی های بی دلیل و غیر مستند، مستند سازی های جعلی غیر واقعی را یک شیوه معقول رسیدن به قدرت می دانند.

رسانه های تصویری افغانستان هم هر ویدیو که بدست شان برسد بدون آنکه بدانند از چه منبع و چطور به دست آمده؟ آیا دقیق است؟ و یا صحنه سازی شده آنرا به نشر می سپارند که این عمل جز بی باوری و بحران زایی در جامعه چیز دیگری به بار نمی آورد.

برخورد آقای امرخیل و جنرال ظاهر ظاهر:

- ۱- وظیفه یک پولیس چیست؟
 - الف- پیش بینی، کشف، کنترل، تثبیت، تحقیق و جلوگیری.
 - ب- ایجاد امنیت و حفاظت از حقوق هموطنان و نظم عامه.
- ۲- کارکرد پولیس تنها به کشف و سرکوب جرایم منحصر نمی شود بلکه ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج ها در جامعه و جلوگیری از جرایم نیز از وظائف اساسی پولیس محسوب می شود؛ زیرا پیش گیری و ایجاد نظم اساساً از شکل و نوعیت قضیه جنائی تبعیت می کند که برخورد پولیس با آن تعیین کننده در نظم جامعه می باشد، با داشتن این اصل است که مردم پولیس را حافظ خود دانسته و با آن اعتماد می کنند.
- ۳- تحقق اهداف پیش گیری کننده انتظامی امروز از شکل و نوعیت کلاسیک که پولیس در سابق بکار می برد، بیرون آمده و یک طرز و شیوه جدید و مدرن را به خود گرفته همچنان در این مورد امکانات بیشتری تکنیکی هم در اختیار پولیس قرار گرفته است که شیوه برخورد، کشف و حقیقت یابی را بسیار ساده و آسان ساخته است.
- ۴- برای یک لحظ فرض می کنیم که آقای امرخیل این اوراق را جهت تقلب انتقال می داد وظیفه پولیس در این مورد چه بود؟ و چه باید می کرد؟

الف: آیا پولیس به خاطر حفظ نظم در جامعه نمی دانست؟ که این موضوع بسیار حساس است و باید با آن برخورد مسلکی و وطن پرستانه کند.

ب: آیا پولیس نمی توانست به جای ماجرا جویی همکاری کند؟

ت: آیا پولیس امکان کنترل و معلوم کردن شفافیت آنرا نداشت؟

ث: آیا پولیس نمی دانست؟ که رسانیدن اوراق به محلات رأی دهی است و وظیفه کمیسیون است و وقت زیاد به خاطر دیالوگ بی جا وجود ندارد.

در حالی که رسانه ها هم در محل موجود بودند پولیس می توانست برای رفع اشتباه خود با استفاده از یک گروه خاص، موثر حامل این اسناد را تا جایی که آقای امرخیل می خواست بدرقه کند تا حقیقت را روشن سازد، با این کار پولیس از یک طرف وظیفه وطن پرستانه خود را انجام داده بود و از طرف دیگر مسلکی بودن خود را ثابت می کرد، با رفتن خبر نگاران به محل حقیقت یا تقلب هر دو به شکل روشن در برابر انظار مردم قرار می گرفت، در این صورت پولیس از بوجود آمدن بحران که امروز دامنگیر ملت شده جلوگیری می کرد و جنرال ظاهر در هر دو صورت نزد ملت یک قهرمان یک پولیس کار آگاه معرفی می شد، با تأسف که چنین کار را نکرد، این که چه اهداف در این عمل او نهفته است باید مستنطق آنرا معلوم کند.

بناءً آقای جنرال ظاهر ظاهر با دلایل ذیل مستحق باز خواست جدی است تا معلوم شود که خدای نخواستہ این حرکت وی ریشه در خیانت در برابر وطن و مردم نداشته باشد:

- ۱- غفلت در اجرای وظیفه.
- ۲- ایجاد هرج و مرج و خلق کردن بحران در جامعه.
- ۳- درخواست تعلیق شمارش آرای انتخاباتی از طرف عبدالله عبدالله که مسبب آن جنرال ظاهر است، با اعزام یک گروه کوچک و مختصر می توانست شفاف سازی کند و از بروز این جنجال بزرگ امروزی جلوگیری بعمل آورد و نگذارد که افراد فرصت طلب تشنج ایجاد کنند.
- ۴- عدم کنترل دقیق از جریان پروسه باوجود داشتن امکانات وسیع اعم از خبر نگاران رسانه ها و سایر امکانات تخنیکی و ترانسپورتی که در اختیار داشت.
- ۵- بدون داشتن دلیل و ثبوت انتقال مواد رأی دهی رابه محل؛ تقلب و جنایت خواندن، در حالیکه این صلاحیت را مراجع کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات دارد نه پولیس محل.
- ۶- رسانه ای ساختن این جریان به نفع شخصی خود و یک گروه مشخص، در حالیکه وی می دانست عمل وی چقدر حساسیت زا و بحران آفرین است.
- ۷- برخورد جنرال ظاهر ظاهر با رئیس دارالانشاء کمیسیون انتخابات نه منحصراً یک پولیس مسلکی بلکه سیاسی بوده است.
- ۸- محروم ساختن هزاران باشندگان ولسوالی سروبی از پروسه رأی دهی.

در این مورد که آقای امرخیل صلاحیت آنرا داشت یا نداشت ولی هیچ عقل سلیم این حکم را نمی کند که در ساعت یک روز رأی دهی یک عضوی از کمیسیون، اوراق را جهت تقلب به یک محل آنهم در زمانی که می داند که در هر قدم نیروهای پولیس و کنترل وجود دارد انتقال دهد. در حالیکه می داند که دشمنان هر روز در صدد تعلیق وظیفه او می باشند، چنانچه بار ها و بخصوص دو روز قبل از انتخابات محقق خواستار بر طرفی آقای امرخیل شد، در این جا سؤال این است که سه نفر دیگر که عبارتند از سریر احمد برمک که همه اسرار کمیسیون انتخابات که در کمیسیون چه می گذرد را به تیم عبدالله عبدالله انتقال می داد و می دهد، آقای عزیز آریانفر و ریدا اعظمی کسانی اند که بیشترین تقلب را به نفع عبدالله عبدالله در دور اول انجام دادند و در این دورهم تبصره آقای سریر احمد برمک باعث تشنج بیشتر اوضاع گردید.

وی می گوید: «از ارسال برگه های رأی دهی به سروبی آگاهی نداشت» در حالیکه آقای نورستانی سریعاً گفتند که کمیسیون آگاهی کامل داشت که اوراق باید انتقال داده شود.

برخورد عبدالله عبدالله در سال ۲۰۰۹ هم این چنین بود که کمیسیون انتخابات را متهم به تقلب ساخت و آن وقت هم عین کلمات را تکرار می کرد که کی در کمیسیون باشد و کی پس شود در دور اول ۲۰۱۴ هم همان گفته های سابقه را نشخوار می کرد، و در دور دوم هم پا فراتر گذشته به همه ارگان ها اخطار داد که صرف حق نظر دارند و فیصله، فیصله اوست و باید با آن عمل شود عبدالله عبدالله اصلاً هیچ نوع ارزش به کمیسیون انتخابات منحیث یک نهاد مسؤوّل نه در سال ۲۰۰۹ قابل بود و نه اکنون قابل است، آقای عبدالله عبدالله با همان زبان حرف می زند که؛ زمان جنگ های کابل را ایجاد کرد، وی انتخابات را منحیث یک اصل دیموکراتیک مورد قبول قرار نمی دهد بلکه می خواهد با زور و ماجرا جویی به مقام ریاست جمهوری دست یابد. وی شکست را برای خود کسر شأن دانسته و فکر می کند که با این کار نفوذ خود را در جامعه از دست می دهد، یکی از مشاوران نزدیک وی فضل احمد معنوی است که در تحریک کردن عبدالله عبدالله نقش بارز دارد وی. در دور اول همه تقلب را برای تیم عبدالله عبدالله مهندسی کرد و اکنون هم در صدد آنست تا بتواند به هر شکل ممکن در کمیسیون انتخابات نفوذ کند از این رو در میز گرد که با لطیف محمود در تلویزیون آریانا شام ۱۷ جون داشت کوشش می کرد که این همه موضوع کوچک را انقدر بزرگ جلوه دهد که، برخورد امرخیل با جنرال ظاهر را به یک انقلاب تشبیح کرد، و این انتخابات را التهایی خواند و گفت که اگر حکومت از وی بخواهد مشوره های لازم خواهد داد!!! وی می خواهد که به این ترتیب در کمیسیون نفوذ کند و تقلب را که به نفع عبدالله عبدالله شروع کرده به پایه اكمال برساند.

از طرف دیگر عبدالله عبدالله ادعا دارد که مشارکت مردم بسیار کم بود این را زمانی عبدالله عبدالله به زبان آورد که دریافت، آرای داکتر اشرف غنی از وی یک میلیون رأی اضافه تراست و این را به زبان خود اعلان کرد حالا سؤال در این جا است که این ارقام را از کجا گرفت؟

واضح است که این ارقام را از ۵۰ هزار ناظر که در ساحه توزیف کرده بود بدست آورده است پس آن ناظران این ارقام را از کجا به داکتر عبدالله عبدالله خبر دادند؟ طبعاً از مراکز رای دهی در زمان زمانی که پروسه رای دهی ختم شد و شمارش آراء در محل صورت گرفت، می گویند دزد در سر خود پر دارد وقتی این ارقام توسط ناظرین خودش برای عبدالله عبدالله که در محل موجود است سپرده می شود پس تقلب در کجاست؟ چرا کمیسیون رابه تقلب متهم می کند! اگر کمیسیون تقلب می کند بعد از رسیدن آرایه مرکز است که کمیسیون به آن دست برد بزنند نه در آن محل رای دهی در حضور داشت ۱۰۰ هزار ناظر هر دو کاندید. آقای عبدالله عبدالله می گوید که مردم در بعضی مراکز زیاد شده اند ولی بررسی ها نشان میدهد که:

در انتخابات ۱۶ حمل در کابل آقای عبدالله عبدالله ۳۸۹۵۸۴ رأی داشت و آقای داکتر اشرف غنی ۲۴۸۲۲۰ رأی داشت. اما این بار داکتر عبدالله عبدالله ۴۲۰۰۰۰ رأی دارد و داکتر اشرف غنی ۴۴۰۰۰۰ رأی دارد این افراد را در کابل کی زیاد کرد، در بدخشان در قندوز در فاریاب و غیره، حد اقل اگر ولایات جنوبی را عبدالله عبدالله نمی تواند کنترل کند در کابل که کنترل عام و تام داشت در قندوز و بدخشان و فاریاب که کنترل تام داشت این افراد از کجا شدند که رأی داده اند آیا اینها را اشرف غنی آورد؟ در این صورت ادعای عبدالله عبدالله در مورد مشارکت کمتر مردم کاملاً غلط و دور از حقیقت ثابت می شود.

از این همه برخورد ها نتیجه ای که بدست می آید اینست که تیم داکتر عبدالله عبدالله حاضر نیست که باخت خود را متمدنانه بپذیرد و باخت را برای خود کسر شأن می داند و فکر می کند که با قبول باخت و تبریگی دادن به رقیب انتخاباتی نه تنها از نفوذ وی بلکه از شخصیت وی در بین مردم می کاهد، از این رو هم کمیسیون هم حکومت و هم مردم را به جعل و تزویر متهم می کند در حالیکه بیشترین تقلب را در دور اول شخصاً عبدالله عبدالله به مهندسی فضل احمد معنوی محیل ترین چهره ای که در افغانستان بی رقیب است انجام داده بود. وی با مشوره های زهر آگین خود احساسات عبدالله عبدالله را مورد بازی خود قرار می دهد تا از آن بهره برداری افزاری و شخصی کند عبدالله عبدالله می خواهد پروسه انتخابات را سبوتاژ کند و با ماجرا جویی و معامله گری خود را به پیروزی برساند و یا امتیاز نصیب شود.

پایان

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ